گزارش

از محدودیت برای حیوانات تا اینترنت
نمایندگان به دنبال چه می‌گردند؟

دیدن با عینک دودی صیانت

نمایندگان به شفاف‌سازی درآمد خود بپردازند، نه به فکر پول گرفتن از مردم

آرمان ملی - امید کاجیان: اگرچه انتظار می‌رفت که مجلس انقلابی، مجلسی توامان با تصمیمات خاص و بعضا تبلیغاتی باشد، اما قطعا که در بخش‌ها و زمینه‌هایی آش آنقدر شور شده که میان خود نمایندگان نیز این تصمیمات تنش و حاشیه آفریده. گاهی برخی از این طرح‌ها با رویکردی سیاسی گرفته می‌شد تا بلکه فشارهای بیشتری به دولت روحانی متلاز مذاکرات احیای برجام وارد کند. طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها یکی از همان طرح‌ها بود. طرحی با نامی که البته با آنچه در عمل ماحصلش شد، متفاوت است . طرحی که ادعا می‌شد در صورت اجرای شدنش لغو همه تحریم‌ها را شاهد خواهیم بود. شرایط را به سمت فضایی برد که مذاکرات احیای برجام را با چالش روبه رو کند و تا امروز نیز بی‌نتیجه بماند. مسئله‌ای که البته به همین جا ختم نشد و امروز حتی در عصر بایدن محافظه کار خواهان مذاکره با ایران و از سرگیری برجام، می‌بینیم که بازهم روند تحریم‌های جدید اشخاص و شرکت‌های خاص تداوم دارد و در واقعیت نه تنها با این طرح رفع تاریخ‌ها حاصل نشد بلکه درنهایت به آن شدت و حدت هم داد. یکی دیگر از تصمیماتی که این بار نه فشار به دولت بلکه فشار به یک ملت تعبیر می‌شود، طرحی باعنوانی سراسر متفاوت با مضمونش بود، این بار به نام صیانت و حفاظت از مردم (!) ماجرای فضای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را پیش کشیدند. طرحی که نگفته معلوم بود هدفش چیست و به دنبال چه می‌گردد؟ از آنجایی هم که نمایندگان مجلس انقلابی که البته خود و همفکران‌شان عادت به این دارند تا خواسته‌ها و منویات گروه خود را به نام خواست همه مردم جابزنند، طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» را که در واقعیت به دنبال تجاوز به این حقوق و ایجاد محدودیت‌های غیر قابل باور برای این فضا می گشت را مطرح ساختند. این بار افکار عمومی در قبال این طرح آن قدر موضع منفی به خود گرفت که در میان خود مجلسیان نیز پیرامون این طرح مجاله شد و در این میان عده‌ای با بیان اینکه الان زمان مطرح شدن این طرح نیست در واقع به ماهیت طرح را بلکه بدزمانی آن بوه‌اسطه واکنش‌های مردم را مطرح کردند و البته بودند کسانی که این طرح را غیرضروری دانستند، نتیجه اینکه به نام صیانت، محدودیت و نظارت بر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مدت‌هاست که بر سر زبان‌هاست و خیلی‌ها نیز در این میان معتقدند که روزی این طرح باالذکر تعدیل اجرائی می‌شود چرا که به نوعی تصمیم، از پیش گرفته شده است.

خودتان می‌دانید که ...

هنوز مردم ثمرات صیانت‌های پیشین و اقدامات راهبردی وارشادهای قبلی مسئولان با اعصاب و روانشان بازی می‌کرد که اینبار در میان همه مشکلات اقتصادی و معیشتی و عدم راهکار برای رفع آن بازهم موضوعی به نام صیانت از مردم در مجلس مطرح شد که درواقع خبر از ایجاد محدودیت تازه‌ای برای آن‌ها می‌دهد و البته شاید هم روشی برای کسب درآمد بیشتر مسئولان از مردم (!) در چنین شرایطی نیز محسوب شود. طرحی که همه تا به حال دیگر آن را شنیده‌ایم «طرح صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات خطرناک»... که البته در آن ازحیوانی نام برده شده که بسیاری شان ریطی به خطرناک بودن ندارند و گروهی از مردم اعتقاد دارند هدف اصلی طرح مشخصا موضوع سگ گردانی یادداشتن این حیوان توسط برخی مردم است. طرح صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات خطرناک تنها محدود به سگ نیست و حیواناتی همچون لاک‌پشت، خرگوش، گربه نیز به‌عنوان حیوانات ممنوعه شناخته شدند. همانطور که می‌دانیم این طرح به امضای ۷۵ نفر از نمایندگان رسیده است، قرار است با تکیه بر الحاق ۴ ماده به قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) تبدیل به قانون شود. براساس ماده الحاقی اول (ماده ۶۸۸مکرر ۱) جریمه نقدی معادل ۱۰ تا ۳۰ برابر حداقل حقوق کارگری (که سالانه توسط دولت و اتحادیه‌های مربوطه تعیین و اعلان می‌گردد) برای افرادی که واردات، تولید، تکثیر، پرورش، خرید و فروش، حمل‌ونقل و گرداندن و نگهداری این حیوانات داشته باشند در نظر گرفته شده، البته که این طرح یکی مشاوران املاک را به میان کشیده و مجلسیان در تلاشند تا با گنجاندن یک بند به اجاره‌نامه‌ها، برموضوع نگهداری حیوانات خانگی نظارت کنند. اگر املاکی‌ها این موضوع را رعایت نکنند، آن‌ها هم شامل حال همان میزان جریمه ۱۰ تا ۳۰ برابر حقوق کارگری می‌شوند. حتی برای کسانی که حیوانات خود را در اتومبیل می‌گذارند جریمه و توقیف سه ماهه اتومبیل در نظرگرفته شده است. آنچه که به نام صیانت از حقوق عامه درمجلس بیان شد سخت آسوده نیست. ما در دوران دولت اصلاحات یک تجربه موفق در این زمینه داشته‌ایم و ایران و عربستان طبق توافقی در آن برهه زمانی به یکدیگر تضمین امنیتی داده‌اند. آن یک توافق خوب بین دولت آقای خاتمی و عربستان بود که سبب شد تا سطح اعتماد بالا رفته و همکاری‌ها بیشتر شود. امروز نیز این اتفاق با امضای توافق‌های مشابه می‌تواند رقم بخورد تا زمینه‌های اعتمادسازی فراهم شود.

دولت باید بن به دنبال ایجاد زمینه‌های همکاری خاصی است؟

امریکا در این بیانیه عنوان می‌کند که حاضر است زمینه‌های همکاری جدیدی برای ایران ایجاد کند تا در عرصه اقتصادی میان ایران و کشورهای همسایه‌اش تعامل بیشتر شود. از نظر سیاسی و امنیتی در سطح جهان، توافق ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بسیار مهم است. امروز شاید به طرحی همچون طرح هرز که آقای روحانی پیشنهاد آن را داده بود نیاز داشته باشیم تا امنیت بر این منطقه حکمفرما شود. حجم زیادی از نگرانی‌های متقابل می‌تواند با یک طرح صلح برطرف شود و امنیت به خلیج فارس بازگردد. امروز این زمینه وجود دارد تا تنش‌های خود را به همکاری متقابل دهد و باید از فضای ایجاد شده در این راستا به بهترین شکل ممکن استفاده کرد. فارغ از ادعاهایی که در بیانیه مشترک وجود دارد ایران می‌تواند از پیشنهاد همکاری اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس استقبال کند و تعامل خود را با این ۶ کشور عربی بیشتر کند. مشخصا اعلام نگرانی کشورهای عربی در این بیانیه بی‌مورد و بلاوجه است. با این وجود ایران در حال مذاکره با امارات و عربستان است و می‌تواند با رشد و پیشرفت کشور را به‌وجود بیاورد. با این وجود اگر دولت در انتخاب مدیران تنها به یک نحله فکری توجه کند و دایره نخبگان را محدود در نظر بگیرد این چالش ممکن است ایجاد شود که ضعف‌ها مشخص نشود و برخی رویکردهای اشتباه همچنان ادامه پیدا کند. گزینه‌هایی که آقای رئیسی برای وزارت و آموزش و پرورش معرفی کردند حداقل باید ساختار و رویکردهای وزارت آموزش و پرورش را می‌شناختند که چنین وضعیتی وجود نداشت و به‌همین دلیل نیز نمایندگان مجلس به آنها رای اعتماد ندادند. شاید برخی گمان می‌کردند به دلیل اینکه مجلس و دولت از یک خاستگاه فکری هستند مجلس به این گزینه‌ها رأی مثبت می‌دهد. در حالی که مجلس چنین رویکردی را در پیش نگرفت و اقدام مناسبی درباره دو گزینه پیشنهادی انجام دادند.

اقدام مجلس در این زمینه چه پیامی به همراه داشت؟

پیام عدم رأی اعتماد به گزینه‌های پیشنهادی این بود که نباید رویکردهای سیاسی و مدیریت با هم ادغام شود و این تلقی ایجاد شود که خاستگاه سیاسی مشترک دلیلی می‌شود بر اینکه روی مدیریت ناکارآمد چشم پوشی شود. همه افراد و گروه‌های سیاسی به‌رغم تفاوت‌هایی که در دیدگاه و رویکردها دارند در یک موضوع مشترک هستند و آن منافع ملی است. هنگامی که نمایندگان اصولگرای مجلس متوجه شدند که گزینه‌ای که رئیس جمهور اصولگرا به مجلس معرفی کرده فاقد شایستگی‌های لازم برای تصدی پست وزارت آموزش و پرورش است به دلیل در نظر گرفتن منافع ملی از رأی اعتماد دادن به وی خودداری کردند. این رویکرد نشان می‌دهد که احزاب و گروه‌های سیاسی در هر حالتی که باشند باید به منافع ملی توجه کنند و نه منافع حزبی و جناحی. آقای رئیسی برای مدیریت کشور باید از کسانی استفاده کند که از توانایی کافی برخوردار باشند. کشورهایی که پیشرفت کرده‌اند و توسعه یافته شده‌اند به دلیل حکمرانی خوب است. یکی از بدیهیات اصلی حکمرانی خوب نیز استفاده از بهترین و تخصص‌ترین افراد در مدیریت جامعه است. این در حالی است که ما به خوبی از ظرفیت‌های انسانی خود استفاده نمی‌کنیم و به همین دلیل بسیاری از نخبگان و تحصیلکردگان جامعه از کشور مهاجرت می‌کنند. اگر به افزایش آمار کسانی که از کشور مهاجرت می‌کنند دقت کنیم متوجه می‌شویم که در استفاده از نخبگان و تحصیل کردگان جامعه دچار ضعف هستیم و تحصیل کردگان جامعه به دلیل اینکه شرایط کار و فعالیت پیدا نمی‌کنند ترجیح می‌دهند که از کشور مهاجرت کنند. نخبگان و نیروی انسانی کارآمد نیز یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه‌ای است که با خروج آنها از کشور از بین می‌رود. کشورهای توسعه یافته نیز از حضور نخبگان و تحصیلکردگان در کشور خود استقبال می‌کنند و به آنها فرصت فعالیت می‌دهند. نخبگان و تحصیلکردگان حتی می‌توانند در کشورهای توسعه یافته نماینده مجلس و یا شهردار باشند.

> جامعه ایران سرشار از نخبه و تحصیلکرده است و می‌توان بهترین و متخصص‌ترین افراد را به عنوان مدیر انتخاب کرد. در شرایطی که افراد توانمندتر و تحصیلکرده در جامعه وجود دارد نباید به سراغ افرادی رفت که از کارآمدی لازم برخوردار نیستند

در حالی است که ما این زمینه‌ها را فراهم نمی‌کنیم و به کسانی که دلسوز کشور و مردم هستند فرصت فعالیت و خدمت نمی‌دهیم.

مدیرانی که در دولت رئیسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند به چه میزان متناسب با واقعیت‌های جامعه هستند؟ در این زمینه چه چالش‌هایی مشاهده می‌کنید؟

در مرحله نخست ما باید بپذیریم مشکلات کشور با شعار و وعده حل نمی‌شود. اگر قرار است تغییر مثبتی در زندگی مردم رخ بدهد باید اقدامات جدی و تأثیرگذاری در مدیریت کشور بگیرد. نمی‌توان کار را رها کرد و یا در اختیار کسانی قرار داد که از صلاحیت کافی برخوردار نیستند و انتظار داشت امور اصلاح شود و مشکلات رفع گردد. مترفع‌شدن مشکلات نیازمند برنامه ریزی و استفاده صحیح از منابع انسانی است. در شرایط کنونی سرمایه گذاری خارجی در کشور صورت نمی‌گیرد. این در حالی است که سرمایه گذاری خارجی می‌تواند تأثیر مثبتی در وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد. آیا ما شرایطی سرمایه گذاری خارجی را در کشور فراهم کرده‌ایم. پاسخ به این سوال منفی است. واقعیت این است که رویکردی که ما در مدیریت کشور داریم با کشورهای جهان در پیش گرفته‌ایم به شکلی نبوده که زمینه سرمایه گذاری خارجی را در کشور فراهم کند. اگر ما قصد داریم به معنای واقعی مشکلات اقتصادی را حل کنیم باید این اتفاق با جذب سرمایه خارجی صورت بگیرد. این وضعیت درباره مشکلات مدیریتی نیز وجود دارد و اگر ما می‌خواهیم مشکلات مدیریتی را حل کنیم باید جذب نیروی انسانی توانمند صورت بگیرد. هنگامی که ما برخوردی انجام بدهیم که نیروی انسانی کشور هدر برود که هنر نکرده‌ایم و بلکه به کشور زیان وارد کرده‌ایم. در مدتی که از عمر دولت سیزدهم گذشته نشانه‌هایی درباره جذب سرمایه خارجی و نیروی انسانی متخصص مشاهده نشده است. اگر قرار بود نشانه‌هایی به وجود بیاید باید در رویکرد کشور در زمینه سیاست خارجی به وجود می‌آمد. از سوی دیگر ما باید به خواست مردم توجه کنیم که در شرایط کنونی مهم‌ترین خواسته‌های مردم چیست.

رویکرد مدیریتی دولت رئیسی به چه میزان متناسب با خرد جمعی بوده است؟ رئیسی به چه میزان از دیدگاه‌های نخبگان در مدیریت کشور استفاده کرده است؟

استفاده از خرد جمعی یکی از ارکان مهم تصمیم‌گیری در کشور است. خرد جمعی میز در احزاب تیلور پیدا می‌کند. اگر ما به دولت‌های نهم و دهم دقت کنیم متوجه می‌شویم که رویکردی که دولت‌های احمدی‌نژاد نسبت به احزاب داشتند باعث از بین رفت ظرفیت‌های زیادی در کشور شود و بسیاری از احزاب یا منحل شدند و یا اثرگذاری آنها کاهش پیدا کرد. مدیریت کشور باید به این نتیجه برسد که حزب برای تقابل به صحنه نیامده و بلکه به دلیل احساس مسئولیتی است که نسبت به منافع مردم و کشور دارد. حزب به دنبال این است که مشکلات مردم را حل کند و زمینه رشد کشور را به وجود بیاورد. به همین دلیل دولتی که به دنبال حل مشکلات کشور باشد باید از احزاب حمایت کند نه اینکه احزاب را رقیب خود می‌کند؟

مدیریت کشور را به چه میزان متناسب با واقعیت‌های جامعه هستند؟ در این زمینه چه چالش‌هایی مشاهده می‌کنید؟

در مرحله نخست ما باید بپذیریم مشکلات کشور با شعار و وعده حل نمی‌شود. اگر قرار است تغییر مثبتی در زندگی مردم رخ بدهد باید اقدامات جدی و تأثیرگذاری در مدیریت کشور بگیرد. نمی‌توان کار را رها کرد و یا در اختیار کسانی قرار داد که از صلاحیت کافی برخوردار نیستند و انتظار داشت که امور اصلاح شود و مشکلات رفع گردد. مترفع‌شدن مشکلات نیازمند برنامه ریزی و استفاده صحیح از منابع انسانی است. در شرایط کنونی سرمایه گذاری خارجی در کشور صورت نمی‌گیرد. این در حالی است که سرمایه گذاری خارجی می‌تواند تأثیر مثبتی در وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد. آیا ما شرایطی سرمایه گذاری خارجی را در کشور فراهم کرده‌ایم. پاسخ به این سوال منفی است. واقعیت این است که رویکردی که ما در مدیریت کشور داریم با کشورهای جهان در پیش گرفته‌ایم به شکلی نبوده که زمینه سرمایه گذاری خارجی را در کشور فراهم کند. اگر ما قصد داریم به معنای واقعی مشکلات اقتصادی را حل کنیم باید این اتفاق با جذب سرمایه خارجی صورت بگیرد. این وضعیت درباره مشکلات مدیریتی نیز وجود دارد و اگر ما می‌خواهیم مشکلات مدیریتی را حل کنیم باید جذب نیروی انسانی توانمند صورت بگیرد. هنگامی که ما برخوردی انجام بدهیم که نیروی انسانی کشور هدر برود که هنر نکرده‌ایم و بلکه به کشور زیان وارد کرده‌ایم. در مدتی که از عمر دولت سیزدهم گذشته نشانه‌هایی درباره جذب سرمایه خارجی و نیروی انسانی متخصص مشاهده نشده است. اگر قرار بود نشانه‌هایی به وجود بیاید باید در رویکرد کشور در زمینه سیاست خارجی به وجود می‌آمد. از سوی دیگر ما باید به خواست مردم توجه کنیم که در شرایط کنونی مهم‌ترین خواسته‌های مردم چیست.

رویکرد مدیریتی دولت رئیسی به چه میزان متناسب با خرد جمعی بوده است؟ رئیسی به چه میزان از دیدگاه‌های نخبگان در مدیریت کشور استفاده کرده است؟

استفاده از خرد جمعی یکی از ارکان مهم تصمیم‌گیری در کشور است. خرد جمعی میز در احزاب تیلور پیدا می‌کند. اگر ما به دولت‌های نهم و دهم دقت کنیم متوجه می‌شویم که رویکردی که دولت‌های احمدی‌نژاد نسبت به احزاب داشتند باعث از بین رفت ظرفیت‌های زیادی در کشور شود و بسیاری از احزاب یا منحل شدند و یا اثرگذاری آنها کاهش پیدا کرد. مدیریت کشور باید به این نتیجه برسد که حزب برای تقابل به صحنه نیامده و بلکه به دلیل احساس مسئولیتی است که نسبت به منافع مردم و کشور دارد. حزب به دنبال این است که مشکلات مردم را حل کند و زمینه رشد کشور را به وجود بیاورد. به همین دلیل دولتی که به دنبال حل مشکلات کشور باشد باید از احزاب حمایت کند نه اینکه احزاب را رقیب خود می‌کند؟

سهم خواهی اصولگرایان به چه میزان در انتخاب مدیران دولت سیزدهم تأثیرگذار بوده است؟ آیا رئیسی با فراغت توانسته مدیران مورد نظر خود را انتخاب کند؟

اگر در یک جامعه نخبه وجود نداشته باشد و از برخی افراد ضعیف تر استفاده شود بحثی وجود ندارد و نمی‌توان انتقاد کرد. با این وجود جامعه ایران سرشار از وجود تحصیلکرده است و می‌توان بهترین و متخصص‌ترین افراد را به عنوان مدیر انتخاب کرد. در شرایطی که افراد توانمندتر و تحصیلکرده در جامعه وجود دارد، نباید به سراغ افرادی رفت که از کارآمدی لازم برخوردار نیستند. استفاده از مدیران توانمند در ابتدا به سود خود دولت است. در چنین شرایطی است که دولت می‌تواند به وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند و پایگاه اجتماعی خود را گسترش بدهد. این در حالی است که استفاده از مدیران ناکارآمد بسیاری از برنامه‌های دولت را به هم می‌زند و اجازه نمی‌دهند وعده‌هایی که به مردم داده شده تحقق پیدا کند. نمونه بارز این وضعیت انتخاب افرادی برای تصدی وزارت آموزش و پرورش بود که از سابقه و کارآیی لازم برخوردار نبودند. اتفاقی که با واکنش اصولگرایان نیز همراه بود و نمایندگان مجلس به این گزینه‌ها رأی اعتماد ندادند. در نتیجه نیروی انسانی کارآمد می‌تواند برگ برنده دولت رئیسی باشد و به عکس اگر از نیروی انسانی کارآمد استفاده نکند دیر یا زود پایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند وعده‌هایی که به مردم داده را عملی کند.

> اگر قرار است تغییر مثبتی در زندگی مردم رخ بدهد باید اقدامات جدی و تأثیرگذاری در مدیریت کشور صورت بگیرد. نمی‌توان کار را رها کرد و یا در اختیار کسانی قرار داد که از صلاحیت کافی برخوردار نیستند و انتظار داشت که امور اصلاح شود و مشکلات رفع شود

یادداشت

کشف میدان گازی بزرگ چالوس به نفع کیست؟

فرزین زندی
تحلیلگر مسائل ژئوپولیتیک

روشن است که انرژی، نه تنها سوخت مورد نیاز برای به حرکت درآوردن خودروها و وسایل این چنینی است بلکه در مقیاسی کلان، انرژی، آب حیات اقتصاد جهان تلقی می‌شود. تصور اینکه بتوان بدون سوخت، حجم گسترده صنایع در سراسر جهان و خلق ثروت ناشی از آنها را نادیده گرفت، ناممکن است. از همین رو، اهمیت انرژی، غیرقابل چشم پوشی است و بخش اعظمی از کنش‌های سیاسی، بازی‌های ژئوپلیتیک و حتی تحرکات نظامی کشورها تنها در راستای کسب، کنترل و اثرگذاری بر این حوزه صورت می گیرد. از همین رو، رفته رفته با کم‌رنگ شدن نقش نفت و اهمیت یافتن سوخت‌های ارزان‌تر و پاک همچون گاز طبیعی، جایگاه این ماده ارزشمند به تدریج در حال افزایش است. کشف بزرگ میدان گازی چالوس در دریای خزر که پس از پارس جنوبی، بزرگ ترین منبع گازی ایران به شمار می آید، جایگاه ایران در حوزه انرژی را برجسته تر از قبل خواهد کرد. ایران در دو دهه گذشته، به تدریج نقش پررنگ خود را به عنوان یکی از چند بازیگر اصلی حوزه انرژی در جهان از دست داده است به شکلی که فشار حداکثری آمریکا، ایران را به طور کامل از معادلات انرژی جهان حذف کرد. برای پرداختن به مساله گاز اما نمی توان این حوزه را بدون مسیرهای حیاتی آن و همچنین تاثیرات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تحلیل کرد. به عنوان نمونه، روسیه به عنوان بزرگ ترین تولیدکننده گاز در اوراسیا و اصلی‌ترین منبع تامین گاز اروپا، دهه‌هاست که از این ابزار برای تحت فشار قرار دادن کشورهای اروپایی استفاده می کند. این کشور با خطوط انتقال خود که پیشتر از اوکراین و لهستان عبور می کرد و به آلمان می رسید، در طرحی جدید، خطوط انتقال گاز را با لوله‌کشی در دریای بالتیک، متحول کرد تا خطر مانع تراشی این دو کشور در مسیر انتقال گاز و گاز اروپا، دهه‌هاست که از این ابزار برای تحت فشار قرار دادن کشورهای اروپایی استفاده می کند. این کشور با خطوط انتقال خود که پیشتر از اوکراین و لهستان عبور می کرد و به آلمان می رسید، در طرحی جدید، خطوط انتقال گاز را با لوله‌کشی در دریای بالتیک، متحول کرد تا خطر مانع تراشی این دو کشور در مسیر انتقال گاز و همچنین هزینه ترانزیت را کاهش دهد. درست به همین دلیل، روسیه به هیچ عنوان اجازه حضور رقیب گازی دیگری را برای تصاحب بازار اروپا نخواهد داد چرا که در این صورت، روسیه قدرت کنونی برای اعمال فشار بر اروپا را از دست خواهد داد. ایران با کشف این میدان که احتمالاً جایگاه نخست خود را در منابع گازی را از روسیه خواهد گرفت، پتانسیل بسیار بالایی برای نقش آفرینی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در سطح منطقه و فرامنطقه به دست خواهد آورد. در این میان، روسیه به عنوان جدی ترین مخالف توانمند شدن ایران در حوزه تولید و انتقال گاز به اروپا و حتی به چین، هند و افغانستان به طور پیوسته فشار علیه ایران را افزایش خواهد داد. روس‌ها که در دو دهه اخیر، به طرز نگران کننده‌ای عرصه سیاست در ایران را تصاحب و نفوذ قابل توجهی در ایران پیدا کرده‌اند، با اهرم های گوناگون از جمله فشار بر ایران در مساله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و تسهیم این دریاچه که خبرهایی از عدول ایران از سهم حداقل ۲۰درصدی خود به گوش می‌رسد، از تمام توان خود برای به انزوا کشاندن ایران به ویژه با کشف این میدان گازی جدید استفاده خواهند کرد. زمزمه‌های قرارداد ۲۰سالاه با ایران که مفاد آن همچنان نامعلوم است و فشارهای آشکار و نهان روسیه که مصداق اخیر آن در انتشار عکس مشترک سفیر روسیه و انگلیس در بزرگداشت کنفرانس تهران و در سالگرد اشغال ایران توسط منافقین، قابل فهم است، گواه این مدعاست. باید دید که مسئولان کشور در این بازی تعیین کننده که ابزارهای قدرتمندی در خصوص آن در اختیار ایران است اما تاکنون از به کارگیری هوشمندانه از آن‌ها شکست خورده، این بار چه کنشی را انجام خواهند داد.

دیدگاه

آموزش و پرورش از برزخ رهایی می‌یابد؟

ادامه از صفحه یک

موارد بهداشتی و ناتوانی آنها برای پرداخت هزینه‌های آب، برق و گاز، تنها بخشی از مشکلات آموزش و پرورش است. به‌رغم این مشکلات فراوان، باید منتظر ماند و دید که چه بر آموزش و پرورش کشور می آید و سکان دار بزرگترین و مهمترین وزارتخانه دولت، می تواند راه نجاتی برای آموزش کشور پیدا کند و کشتی طوفان زده راه به ساحل آرامش هدایت نماید؟ اکنون که بعد از سال‌ها لایحه رتبه بندی معلمان قرار است در مجلس به تصویب برسد، بی شک وزیر قوی، توانمند و شجاع با تعامل بین دولت و مجلس و فرماندهی و رهبری خود می تواند به تصویب و اجرای کامل این لایحه کمک کند و با ارائه پیشنهادات و نظرات کارشناسی در بهتراجرا شدن این لایحه، بسیاری از چالش‌ها در آموزش و پرورش را برای همیشه پایان دهد. خواسته فرهنگیان این است که در این شرایط نابسامان آموزش و پروش، انتخاب وزیری خلاق و با تجربه، توانمند و شجاع، متعهد وتحولگرا و از بدنه آموزش و پرورش، که هم مورد تأیید رئیس جمهور باشد و هم قابل اعتماد برای مجلس، سکان وزارتخانه بزرگ و مهم دولت را به دست گیرد تا آموزش و پرورش کشور در مسیری صحیح و با مدیرانی جوان، دلسوز و جهادی به سوی هدف‌های پیش بینی شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حرکت کند و به پیشرفت ایران اسلامی و آنچه شایسته مردم است کمک نماید.

حسین کاشفی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

آسیب‌های دولت؛ مهاجرت نخبگان - عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی

با این مدیران نمی‌توان به تغییر شرایط امیدوار بود

محدود کردن دایره انتخاب مدیران سبب پنهان ماندن ضعف‌ها خواهد شد

رئیسی در انتخاب مدیران دایره انتخاب خود را از ستاد انتخاباتی‌اش فراتر ببرد

عملکرد مجلس در عدم رأی اعتماد اخیر مثبت بود

توجهی به توانمندی مدیرانی که انتخاب می‌کنند ندارند

دوران شعار و وعده به پایان رسیده است

مهم‌ترین ضرری به کشور هدر دادن نخبگان است

نشانه‌هایی از تغییر بنیادین در مدیریت کشور مشاهده نمی‌شود

افزایش میزان مهاجرت نشان دهنده عدم استفاده از نخبگان است

در مسیر جذب سرمایه‌های خارجی حرکت نمی‌کنیم

دولت رئیسی احزاب را رقیب خود ندانند

آرمان ملی - احسان انصاری: عدم رأی اعتماد نمایندگان اصولگرای مجلس به گزینه پیشنهادی وزارت آموزش و پرورش نشان داد که چالش انتخاب مدیران در دولت سیزدهم جدی است. هر چند در ابتدای معرفی کابینه نیز انتقاداتی به رویکرد انتخاب مدیرات صورت گرفت اما در مورد اخیر اصولگرایان نیز به جرگه منتقدین دولت رئیسی در آمدند و در نهایت نیز به گزینه پیشنهادی رأی ندادند. سوال اینجاست که چرا با توجه به ظرفیت‌های مدیریتی زیادی که در کشور وجود دارد با برادر ابراهیم رئیسی در انتخاب مدیران با چالش مواجه بوده و نتوانسته از مدیرانی متناسب با واقعیت‌های موجود جامعه استفاده کند؟ واقعیت قابل انکاری که در این زمینه وجود دارد این است که انتخاب مدیران در دولت سیزدهم با واکنش مردم و افکار عمومی جامعه نیز همراه نشده و مردم نشانه‌هایی از تغییر در مدیریت کشور را با چنین مدیرانی احساس نکرده‌اند. این در حالی است که مدیران توانمند و کارآمد می‌توانند برگ برنده دولت رئیسی به شمار بیایند. «آرمان ملی» برای بررسی و تحلیل این موضوع با مهندس حسین کاشفی رئیس سابق خانه احزاب کشور و فعال سیاسی اصلاح طلب گفت‌وگو کرده است. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

با وزیر کارشناسان یکی از انتقاداتی که به دولت رئیسی وارد است نحوه چینش مدیران و انتخاب آنهاست که بازتاب مثبتی نیز در جامعه نداشته است. رویکرد رئیسی در انتخاب مدیران به چه صورت بود و مدیرانی که انتخاب کرده به چه میزان با شعارهایی که وی در ایام انتخابات مطرح می‌کرد مطابقت دارد؟

روندی که دولت رئیسی در پیش گرفته به شکلی است که نمی‌توان نسبت به یک تغییر و تحول بنیادین در کشور امیدوار بود. البته باید زمان زیادی از عمر دولت بگذرد تا ماهیت واقعی دولت مشخص شود. با این وجود علائمی که در ماه‌های گذشته از سوی دولت بروز پیدا کرده نشان می‌دهد که بین آنچه رئیسی در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری مطرح کرد و رویکردی که پس از ریاست جمهوری در پیش گرفته تفاوت وجود دارد. ملاک قضاوت درباره عملکرد دولت باید تغییر در وضعیت زندگی مردم باشد. این در حالی است که در مدتی که از عمر دولت رئیسی گذشته نه تنها وضعیت اقتصادی مردم بهتر نشده و بلکه بدتر نیز شده است. در شرایطی می‌توان دولت را موفق دانست که در وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مردم تغییر ایجاد شده باشد. وعده و شعار ملاک قضاوت درباره عملکرد دولت نخواهد بود. همه روسای جمهور و دولت‌ها در زمینه توسعه پایدار و متوازن وعده‌هایی به مردم می‌دهند اما آنچه حائز اهمیت است میزان عمل به وعده‌هاست. نکته دیگر اینکه گذشته دارای نقاط منفی و مثبت است و باید از طرف تاریخ‌ها نیز است. کسی نمی‌تواند تاریخ را نقد کند یا آن را تغییر بدهد. تاریخ آن چیزی است که اتفاق افتاده است. هنر یک دولت این است که از نقاط قوت دولت‌های گذشته استفاده کند و نقاط ضعف آن را سازسازی و پوشش بدهد. برای حکمرانی خوب نیز آنچه دارای اهمیت است نیروی انسانی توانمند و کارآمد است. نیروی توانمند و کارآمد که دارای برنامه و انجام باشند، می‌توانند تغییرات مثبتی در وضعیت زندگی مردم ایجاد کنند.

دولت رئیسی به چه میزان در مسیر حکمرانی خوب حرکت کرده است؟

هر دولتی برای پاسخ به مطالبات مردم نیاز به کابینه و نیروی انسانی توانمند دارد؛ با این وجود افرادی که آقای رئیسی برای مدیریت کشور در نظر گرفته متناسب با واقعیت‌های موجود جامعه نیست. نمونه بارز آن معرفی دو گزینه برای وزارت آموزش و پرورش به مجلس بود که هر دو گزینه نتوانست از نمایندگان مجلس رأی اعتماد بگیرد. این در حالی است که مجلس و دولت و فقه قضائیه از نظر فکری و سیاسی از یک خاستگاه سیاسی است و امروز با یکدستی قوا در کشور مواجه هستیم. البته اگر خوشبینانه به موضوع نگاه کنیم یکدستی قوا می‌تواند زمینه تصمیم‌هایی شود که در گذشته امکان آن وجود نداشته است تصمیماتی که در نهایت زمینه‌های رشد و پیشرفت کشور را به‌وجود بیاورد. با این وجود اگر دولت در انتخاب مدیران تنها به یک نحله فکری توجه کند و دایره نخبگان را محدود در نظر بگیرد این چالش ممکن است ایجاد شود که ضعف‌ها مشخص نشود و برخی رویکردهای اشتباه همچنان ادامه پیدا کند. گزینه‌هایی که آقای رئیسی برای وزارت و آموزش و پرورش معرفی کردند حداقل باید ساختار و رویکردهای وزارت آموزش و پرورش را می‌شناختند که چنین وضعیتی وجود نداشت و به‌همین دلیل نیز نمایندگان مجلس به آنها رأی اعتماد ندادند. شاید برخی گمان می‌کردند به دلیل اینکه مجلس و دولت از یک خاستگاه فکری هستند مجلس به این گزینه‌ها رأی مثبت می‌دهد. در حالی که مجلس چنین رویکردی را در پیش نگرفت و اقدام مناسبی درباره دو گزینه پیشنهادی انجام دادند.

اقدام مجلس در این زمینه چه پیامی به همراه داشت؟

پیام عدم رأی اعتماد به گزینه‌های پیشنهادی این بود که نباید رویکردهای سیاسی و مدیریت با هم ادغام شود و این تلقی ایجاد شود که خاستگاه سیاسی مشترک دلیلی می‌شود بر اینکه روی مدیریت ناکارآمد چشم پوشی شود. همه افراد و گروه‌های سیاسی به‌رغم تفاوت‌هایی که در دیدگاه و رویکردها دارند در یک موضوع مشترک هستند و آن منافع ملی است. هنگامی که نمایندگان اصولگرای مجلس متوجه شدند که گزینه‌ای که رئیس جمهور اصولگرا به مجلس معرفی کرده فاقد شایستگی‌های لازم برای تصدی پست وزارت آموزش و پرورش است به دلیل در نظر گرفتن منافع ملی از رأی اعتماد دادن به وی خودداری کردند. این رویکرد نشان می‌دهد که احزاب و گروه‌های سیاسی در هر حالتی که باشند باید به منافع ملی توجه کنند و نه منافع حزبی و جناحی. آقای رئیسی برای مدیریت کشور باید از کسانی استفاده کند که از توانایی کافی برخوردار باشند. کشورهایی که پیشرفت کرده‌اند و توسعه یافته شده‌اند به دلیل حکمرانی خوب است. یکی از بدیهیات اصلی حکمرانی خوب نیز استفاده از بهترین و تخصص‌ترین افراد در مدیریت جامعه است. این در حالی است که ما به خوبی از ظرفیت‌های انسانی خود استفاده نمی‌کنیم و به همین دلیل بسیاری از نخبگان و تحصیلکردگان جامعه از کشور مهاجرت می‌کنند. اگر به افزایش آمار کسانی که از کشور مهاجرت می‌کنند دقت کنیم متوجه می‌شویم که در استفاده از نخبگان و تحصیل کردگان جامعه دچار ضعف هستیم و تحصیل کردگان جامعه به دلیل اینکه شرایط کار و فعالیت پیدا نمی‌کنند ترجیح می‌دهند که از کشور مهاجرت کنند. نخبگان و نیروی انسانی کارآمد نیز یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه‌ای است که با خروج آنها از کشور از بین می‌رود. کشورهای توسعه یافته نیز از حضور نخبگان و تحصیلکردگان در کشور خود استقبال می‌